

گرشمه‌های معنا در افسانه‌های ایوان کریلف^۱

نویسندگان ایرانی آسان کرده باشیم.

بخش اول:

ایوان آندرتیوویچ کریلف در ۱۳ فوریه ۱۷۶۹ در شهر مسکو چشم به جهان گشود.^۲ زمانی که طلیعه ادبیات روسی چهره می‌نمود، کریلف به نوشتن آغازید؛ از این رو، او را پدر ادبیات کلاسیک روس می‌دانند. ایام کودکی را در منطقه اورال (Urals) و در شهر تور (Tver) که اکنون کالینین (Calinin) نامیده می‌شود سپری کرد. او که از همان اوایل زندگی طعم تلخ بینوایی را چشیده بود، در آغاز نوجوانی اش به شغل منشیگری در یکی از ادارات دولتی روی آورد و چون فرصت نیافته بود از تحصیل دانشگاهی برخوردار گردد کوشید این کمبود را با مطالعه ادبیات، ریاضیات و زبان ایتالیایی جبران کند. در آن ایام سرگرمی عمده وی این بود که در ساحل رودخانه ولگا قدم می‌زد و لطایف کلام و سخنان پرمغز مردمی که در آنجا گردش می‌کردند به حافظه می‌سپرد و از این رهگذرافق دید و دامنه اندیشه‌های فراخی گرفت و گنجینه‌ای از آداب و رسوم مردم روسی را در خاطر اندوخت و زمینه لازم برای نگارش افسانه‌های ماندگارش فراهم آمد.

آنجا که بیان صریح مقصود میسر نمی‌شود، معنا در لفافه ابهام مستور می‌ماند و لاجرم مشتاقان جمالش به هر حیلتی پرده لفظ را می‌شکافند تا در آن به نظاره بنشینند و به تأثر سکرآور آن چنان کنند که اقتضای طبعشان است. ماه را پشت حریر توری ابر، جلوه‌های غریبی است.

مقدمه:

این گفتار را در دو بخش ارائه خواهیم کرد: بخش نخست شامل شمه‌ای کوتاه از زندگی ایوان کریلف (۱۷۹۶-۱۸۴۴)، نویسنده افسانه پرداز، و روزنامه‌نگار روسی و نیز نگرش و شیوه وی در افسانه‌سرایی عصر خود است. در بخش دوم، به عنوان نمونه، افسانه‌های چندی را که وی از لافوتن فرانسوی (۱۶۹۶-۱۶۲۱) گرفته و به صورت منظوم در ادب فارسی بازتاب یافته است (تیر سعیدی، ۱۳۳۶) همراه با فهرست عناوین ۲۰۶ افسانه کریلف به زبان انگلیسی، سروده ادوارد پیرس (۱۹۷۷، E. Pares)، استاد زبان روسی دانشگاه لندن خواهیم آورد، باشد که بدین سان کار را بر پژوهشگران علاقه‌مند در شناسایی راههای نفوذ و تأثیر افسانه‌های کریلف در آثار منظوم و مثنوی شاعران و



عمومی به دور باشد. یکی از آثار او که خنده دار و غم انگیز است با عنوان توامف (Trumf, ۱۷۹۹-۱۸۰۰) به صورت دست نوشته در میان مردم دست به دست می گشت. سرانجام کریلف اجازه یافت که در سال ۱۸۰۶ به سنت پترزبورگ برگردد. در آن سال و سال بعد او توانست چندین اثر فکاهی مانند **مغازه مد**، **دوسی بر دختران** را به رشته تحریر کشد. کریلف در این آثار ترس طبقه اعیان روس را از فرانسویان به باد سخره گرفته است.

در چهل سالگی و مقارن با امپراتوری ناپلئون کریلف پی برد که برای افسانه نویسی از استعدادی خاص برخوردار است و از آن پس در فاصله سالهای ۱۸۱۲ تا ۱۸۲۱ که به عنوان کمک کتابدار کتابخانه ملی امپراتوری به کار مشغول بود به چیزی جز نگارش افسانه دست نیازید.

نخستین کتاب افسانه های او در سال ۱۸۰۹ منتشر شد و در واقع، سرآغاز پیشرفت افسانه سرایی او به حساب می آید. به گفته گوگول، افسانه های کریلف معرف خرد مردم روس است. آن خصلت ملی گرایی واقعی و زبان گویا و غنی که در افسانه های وی تبلور یافته، افسانه سرایی را به اوج شکوفایی خود رسانید و او را در ردیف یکی از افسانه سرایان

در چهارده سالگی ابرای فکاهی فالگیر قهوه^۲ را که از رسوم حامیان نظام ارباب و رعیتی تصویر زنده ای ارائه می کرد، نگاشت. بین سالهای ۱۷۸۶ و ۱۷۸۸ به نگارش آثار زیر همت گماشت: **خانواده دیوانه**، **گوبنده در اتاق انتظار**، **مردم شرور** که تهی بودن و فساد طبقه اشراف پایتخت را به سخره می گرفت؛ و نیز تراژدی **فیلمالا (Philomela)** که در آن استبداد را مستقیماً مورد حمله قرار داده است. کریلف که در ده سالگی پدرش را از دست داده بود، در بیست سالگی از موهبت وجود مادرش محروم شد (۱۷۸۸) و در این ایام بود که از خدمت دولتی دست کشید و به ادبیات روی آورد. در سال ۱۷۸۹ روزنامه **پیک ارواح (Spirits Mail)**^۸ را منتشر کرد و از آن به عنوان تریون آزاد برای نشر هجونامه هایش که جسورانه بلندیهای طبقه اشراف و سوءاستفاده های دستگاه حاکم را مورد انتقاد قرار داده بود استفاده نمود، اما همراه با سانسور دولتی که با ذوق ادبی او ناسازگار بود گرفتاری داشت. او با چاپ روزنامه و آثاری چون **رمان کوتاه کایب (Kaib, ۱۷۹۲)** نشان داد که وارث به حق کلام طنز آلود توویکوف (Novikov) است. کاترین دوم زبان نیشدار کریلف را دوست نداشت و زمانی کریلف ناگزیر شد مدتی از فعالیت ادبی دست بکشد و از انتظار

نامدار دنیا قرار داد. پوشکین نیز در این باب گفته است: خلاقیت ملی و عمق افسانه‌های کریلف در شیفتهای شادی بخش ذهن، در تمسخر، در عبارات زنده تجسم یافته است.

کریلف برخلاف اسلاف خود که برای نتیجه اخلاقی افسانه تأکید می‌ورزید، افسانه‌هایی خلق کرد که طنز آلود و حاوی اتفاقات خنده‌داری بودند. بلینسکی (V.G. Billinsky) در توصیف افسانه دهقان و گوسفندان^{۱۱} گفته است: کریلف در این افسانه که سیمای اشخاص داستانی بسیار واقعی است، تصویر شاعرانه‌ای از یک بعد جامعه نشان می‌دهد. در رویکرد واقع‌گرایانه کریلف با زندگی است که ما طرز فکر مردم در قبال عدالت اجتماعی، استبداد طبقه حاکم و سرشت درنده‌بوروکراتها را شاهد هستیم (رک به گرگان و گوسفندان^{۱۲}، حیوانات طاعون‌زده^{۱۳} و رقص ماهی‌ها).^{۱۴}

کریلف مظهر روحیه محافظه‌کار مردم روس بود و این روحیه در روسیه و نیز در اروپا پس از سقوط امپراتوری ناپلئون به شدت احساس می‌شد.

پس از انقلاب فرانسه، جهان و رهبران دولتها که سخت یکه خورده و می‌کوشیدند آن را به فراموشی سپارند هنوز در بیم و هراس به سر می‌بردند و در این میان هر نوع برنامه و آموزش و به طور کلی هر آنچه که با دانش و شناخت پیوند داشت در مظان شک و تردید قرار می‌گرفت. سال ۱۸۱۲ به لحاظ تکوین شخصیت ادبی کریلف حائز اهمیت است؛ سالی که خصلت و انکس مردم روس و اروپا را تعیین بخشید و موجب گردید که حکومت روس در ایفای نقش شیطانی خود پیشتانز شود. این زمانی بود که به معلمان ریاضی روس رسماً ابلاغ گردید که درس خود را براساس آیین تثلیث، صرفنظر از هر تعبیری که از آن به عمل می‌آید قرار دهند؛ در دانشگاهها، فلسفه در خدمت الهیات قرار گرفت و سانسور کتاب، طرد «کتاب ملحدانه فرانسوی»^{۱۵} را هدف خود اعلام نمود و کمیسیون نظیر آنچه کریلف در افسانه غواصان مروارید^{۱۶} توصیف کرده عملاً وظیفه یافت تا معلوم بدارد آیا دانش زیانبار است. دیگر فابل‌های او، مانند سکه زر^{۱۷}، قوم بی‌دین^{۱۸}، اسب و سوارکار^{۱۹} و نویسنده و راهزن^{۲۰} موضعی در مخالفت با فلسفه فرانسه و انقلاب فرانسه برگزیده و همه آنها مبین این تفکر هستند که فلسفه و انقلاب فرانسه به مذاق طبقه روشنفکر روسی، که اکنون برخلاف رسالت مألوف خود به مخالفت با آن دو پرداخته بود، ناخوشایند است. نباید پنداشت که دیدگاه کریلف همه از ویژگیهای زمانه خود رنگ و بو گرفته است، بلکه درست‌تر آن است که بگوییم که بینش وی، همچنان که از نتیجه اخلاقی افسانه خوک زیر درخت بلوط^{۲۱} پیداست، نشان از شخصیت خودوی دارد. پوشکین با ذکر بیتی از یکی از افسانه‌های کریلف:

«آن موش دم بریده یکی از دوستان من است»

از کریلف در برابر اتهام «ارتجاع» دفاع کرده است.

محافظه‌کاری روسی مقوله‌ای کاملاً جدای از سرسپردگی و نوکرسفتی مورد انتظار دولتمردان روس است. کریلف که خیلی دیر به نویسنده‌گی روی آورد و به نظر نمی‌رسد هرگز آن تجارب مرموزی که در برخورد با سانسور دولتی داشته فراموش کرده باشد، محافظه‌کارترین نویسنده روس به حساب می‌آید، اما افسانه‌سرایی فرصتهایی در اختیار وی می‌گذاشت که دیگر نویسندگان از آنها بی‌نصیب بودند و سرسپردگی ابلهانه مأموران سانسور در برابر شیوه کارش عاجز مانده بود.

این مرد درشت اندام و فربه که به طور متوالی از عنایت دو امپراتور روس برخوردار بود و در دستگاه دولتی شغل تشریفاتی داشت، بیشتر اوقات با روپا و شامبر در خانه خود به سر می‌برد و در

سال شاید هشت یا نه افسانه به چاپ می‌رسانید و در اغلب موارد نظاره‌گر رفتار مردم بود و تا آنجا که شرایط زمانی ایجاب می‌کرد از آزادی بیان برخوردار بود. نویسنده و شاعر معاصر وی به نام سرگیه ویچ گریبایدوف^{۲۲} که همچون پوشکین، لرمانتف و دیگر نویسندگان همعصر وی به خاطر داشتن استقلال اندیشه از سرزمین اجدادی خود، روسیه، تبعید گردیدند، در کمندی معروف خود، بلائی هوش، که تصویر زنده‌ای است از احوال جامعه عصر خود، زمانی گفته است که فابل نیز دچار سرنوشت ادبیات روسی خواهد شد، چرا که «بالاخره شیران و دیگر جانوان بزرگ همان تزارهای روس هستند». کریلف ناگزیر بود تا آنجا که امکان داشت از شرایط موجود و از هوش و ذکاوت فطری خود بهره‌گیر تا از طریق فابل با مردم زمانه ارتباط برقرار کند. یکی از فابل‌هایش که چاپ آن قذغن شده بود پس از آنکه نیکلای اول فرمان داد برای آخرین بار چاپ شود، منتشر گردید. رقص ماهی‌ها که به هنگام انجام یکی از سفرهای بازدید توسط امپراتور الکساندر اول منتشر شده بود، زمانی از چنین سانسور خلاصی یافت که شیر مجبور می‌شود به درستی معدلت کند و برخلاف آنچه در نسخه اول تصویر شده بود بلاهت را کنار بگذارد. نسخه اولیه گوسفند خالدار^{۲۳} که در زمان سرکوب دانشگاهها نگارش یافته بود پس از مرگ کریلف پیدا شد. به طور کلی روال چنین بود اگر باید از نیش سانسور در امان بود می‌بایست به اصطلاح «زبان ازوب» محفوظ گردد و این برعهده خواننده بود که آن معانی پوشیده را که فی‌المثل در فابل گرگ و چوپان^{۲۴} نهفته است و نویسنده در بیان آن نهایت حزم و دوراندیشی را به کار برده، دریابد. آزادخواه روس آن عصر، محافظه‌کاری فطری کریلف را بر وی می‌بخشید، چرا که وی در افسانه‌های کریلف آنچنان انتقادهای گزنده از زندگی مردم روس می‌دید که به صورت دیگر میسر نبود. حتی امروز خواننده روس مصادیق نوینی از خرد کریلف که در قالب افسانه‌هایش آمده، مشاهده می‌کند. از این لحاظ، کریلف در ادبیات روسی از جایگاهی برخوردار است که بی‌شبهت به موضع برانژه (Beranger) در فرانسه نیست، کسی که کریلف با وی بیشتر از لافوتنن وجوه مشترک دارد، هرچند که مضامین اغلب افسانه‌های لافوتنن دست‌مایه افسانه‌هایش بوده است (رک به نمونه‌هایی که در این باب آورده‌ایم).

بسیاری از افسانه‌های کریلف رویدادهای عصر خود را مثل می‌کند: کلاغ و پروندگان^{۲۵} روایت تمثیلی از تخلیه مسکو است؛ گرگ در لانه^{۲۶} به هنگام همزیمت سپاه ناپلئون به نگارش درآمد و نسخه‌ای از آن به کوتوزف (Kutuzov)، ژنرال سپاه روس، فرستاده شد. می‌گویند کوتوزف این فابل را دریافت کرد و هنگامی که در مسیر اسمولنسکی (Smolensky) به کرانسی (Kransy) پیروزمندانه بقایای ارتش بزرگ فرانسه را مورد تاخت و تاز قرار داده بود، برای اطرافیان خواند. آمده است زمانی که این ژنرال پیر روس، کوتوزف، عبارت زیر را می‌خواند: «اگر موهای تو جوگندی است، موهای من سپید گشته است»، کلاه از سرش برگرفت. اردک ماهی و گربه^{۲۷} یادآور تلاش در یاسالارچی چاکوف (Chichegov) است که بیهوده می‌کوشید راه را در پره‌زینا (Bere zina) بر ناپلئون ببندد.

کریلف هرگز درصدد برنمی‌آید بر موارد کاربرد افسانه‌هایش اشارتی کند. به زعم وی افسانه راه خود را می‌جوید، اما برخی از آنها را خودش بیشتر دوست می‌داشت. فابل خروس و فاخته^{۲۸} بولگارین (Bulgann) و گرچ (Grech) را مثل می‌کرد، کسانی که می‌خواستند برای مدتی در جهان ادب روس، نقش حکم را برعهده داشته باشند و بی‌جهت زبان به تمجید و ستایش همدیگر گشوده بودند. فابل

خوک^{۲۹} اندک زمانی پس از حمله شدید و احمقانه‌ای، که شهرت ادبی کریلف را هدف قرار داده بود و او هرگز در مقام پاسخگویی برنیامد، به نگارش درآمد. می‌گویند فابل آش ارباب جهان^{۳۰} برای نخستین بار در پایان یکی از شبهای شعر قرائت گردید. شبی که در تمام مدت نویسنده‌ای خودخواه، با وجود حضور چندین شخصیت ادبی، مشغول خواندن اثر خود بود و بدینسان آن محفل را به کام همگان تلخ کرده بود. در آن شب، وقتی از کریلف می‌پرسند آیا افسانه تازه‌ای از برای خواندن دارد پاسخ نیشدارش را در قالب همین افسانه که قرائت کرده، می‌دهد.

اما اهمیت افسانه‌های کریلف صرفاً به اشارات و امارات سیاسی و موضوعی آنها منوط نیست. او از این مسائل فراتر رفته و در اقتباس مضامین دیگران نقش بس مهم تر ایفا کرده است. افسانه‌های کریلف تصویری است گویا از زمانه خود، تصویری که در نزد همه کسانی که سالهای طولانی در روسیه زندگی کرده‌اند و نیز در نزد مردم روزگار خویش دارای ارزش و منزلت فراوان است. اگر بخواهیم آنچه را که کریلف در افسانه‌هایش عرضه کرد، شرح دهیم به قولی، مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود. فابل گل گندم^{۳۱} که کریلف آن را برای یکی از بانوان خانواده امپراتوری نگاشته، مبین این است که امپراتور می‌باید همچون خورشید باشد و بر خرد و کلان یکسان پرتوافشانی کند. در افسانه‌های کریلف، شیر نماد امپراتور است، فردی با افکار بلند، مغرور، بی‌پروا، رتوف و اغلب به گونه بارز خرفت که به آسانی فریب می‌خورد و بیهوده می‌کوشد در قلمرو خود اخلاق را پاسدار باشد. دولت نهادی است خصوصی و در پی منافع خود (فابل ۱۸، کتاب یکم)، وقتی خطایی صورت می‌گیرد، نخستین اندیشه‌اش این است که همه اطرافیانش را مجازات کند (فابل ۳، کتاب سوم)، آنقدر مأمور دولتی به خدمت می‌گیرد که دیگر جایی برای دیگر آحاد مردم نمی‌ماند (فابل ۱۸، کتاب ششم).

در میان نمایندگان قدرت که در این افسانه‌ها حضور مداوم دارند، یکی گرگ است، موجودی بس بدعق و روباه که به طور معمول بسیار بی‌وجدان و فوق‌العاده محیل تصویر شده و خرس که شبیه بقیه حیوانات است؛ خوش خلق، ابله یا حیل‌گرو یا مظهر این سه خصلت. در بین جانوران فیل هم دیده می‌شود که موجودی است نیرومند، خوش‌نیت و نادان. روباه معمولاً موفق می‌شود به مقام منشی صدارت تکیه زند؛ خر همیشه در تقلاست که جایگاه خود را ارتقاء دهد (فابل ۱۶ کتاب یکم؛ فابل ۱۳، کتاب هشتم) و زمانی که در این راه توفیق می‌یابد نفعی عایدش نمی‌شود. دسترسی به وزرا همواره دشوار است، همچنان که در افسانه تاپ توپ^{۳۲} آمده است. ترجمه این فابل درست پس از انقلاب مارس ۱۹۱۷ صورت گرفت و یک بار دیگر درستی اندیشه کریلف به اثبات می‌رسد. شیوخ قوم اغلب تنبل بوده و رفتاری دروغین دارند (فابل ۱۵، کتاب سوم؛ فابل ۱۱، کتاب نهم) و هر بار که کریلف از بطالت و کاهلی سخن می‌گوید به سراغ آنها می‌رود. بی‌کفایتی سهل‌انگاران آنان تجسم روس انگل است که غالباً در افسانه‌های کریلف ظاهر می‌شود (فابل ۱۸، کتاب سوم؛ فابل ۱۸، کتاب پنجم).

موضوع اصلی طنز کریلف طبقه حاکم است. از مجموع ۲۰۱ افسانه کریلف، ۲۵ افسانه درباره کارگزاران دولتی است؛ سروکله اینان در همه جا پیداست و رهایی از دست آنها میسر نیست (فابل ۳، کتاب دوم). در همه جا، اینان به صورت مختلص عرضه شده‌اند (فابلهای ۱۰ و ۲۲، کتاب دوم؛ فابل ۱۸، کتاب چهارم؛ فابل ۲۴، کتاب پنجم؛ فابل ۱۹، کتاب هشتم؛ فابل ۲۲، کتاب هشتم؛ فابل ۱، کتاب نهم). بیشتر اینان به طرز فصاحت‌آمیزی بی‌کفایت‌اند. موضوعی که کریلف

در سنین کهولت خود بیشتر و بیشتر به آن پرداخت (فابل ۶، کتاب پنجم؛ فابل ۱۱، کتاب ششم؛ فابل ۱۵، کتاب هفتم، فابلهای ۸ و ۷ و ۶، کتاب هشتم)؛ انتسابشان به مشاغل بزرگ با چشم عنایت صورت گرفته و مجازاتشان در صورت اثبات جرم، ناتر مضحکه‌ای بیش نیست (فابل ۷، کتاب پنجم؛ فابل ۵، کتاب هشتم)؛ کریلف روش دیگری را نیز معرفی کرده است (فابل ۲۰، کتاب سوم). برخی از این دولتمردان در استخلاص خود از گرفتاری فوق‌العاده شیباند (فابل ۱۱، کتاب سوم؛ فابل ۲۴، کتاب هفتم) اما حسن ترحم و دلسوزی کسی را بر نمی‌انگیزند؛ برخی دیگر افسرده و دل‌مرده‌اند، زیرا در طول حیات خود همواره استثمار شده‌اند (فابل ۴، کتاب هشتم)؛ در تصویر غم‌انگیزتری، برخی را می‌بینیم که از استعداد و مهارتی برخوردارند لیکن افراد مافوق نمی‌دانند چگونه باید از خدماتشان متمتع بود (فابل ۱۳، کتاب پنجم؛ فابل ۱۰، کتاب هشتم).

نمونه بس ناخوشایند، افسانه‌ای است که در آن مأمور دولتی تجسم آمیزه احساس نوع دوستی و نفع شخصی است؛ نمونه بس آشنا برای همه کسانی که سالهای طولانی در روسیه به سر برده‌اند (فابل ۱۹، کتاب چهارم). با چنین مجریان قانون، اجرای عدالت نمایشی بیش نیست (فابل ۱۶، کتاب هفتم؛ فابل ۵، کتاب نهم).

همانطور که گفتیم خاطراتی که کریلف از سانسور دارد بسی ناخوشایند است. کریلف این موضوع را دست‌مایه یکی از بهترین افسانه‌های خود قرار داده است (فابل ۲۳، کتاب هفتم) و دو افسانه دیگر او اشارتی به این موضوع داشته است (فابل ۱۴، کتاب هفتم؛ فابل ۴، کتاب نهم). کریلف برای همه کارگزارانی که در عرصه حیات اجتماعی در پیمودن راه ترقی به جای داشتن استعداد از اشتها سیاسی خود استفاده می‌کنند و نیز برای نویسندگانی که با توسل به همین شیوه خود را صاحبان ذوق ادبی و رهبران فکری جامعه قلمداد می‌کنند ابراز انزجار می‌کند (فابل ۸، کتاب یکم؛ فابل ۱۰، کتاب نهم). در عصری که کریلف به سر می‌برد ادبیات روس عرصه نکاواری بود و سعی تقریباً همه اهل قلم بر آن بود که دوران ادبی را با عزت و آبرومندی به سر برند، اما بر اثر حاکمیت شرایط غیرطبیعی، برخی از منتقدان ناخرد از منزلتی برخوردار بودند، کسانی که در افسانه‌های کریلف مورد تحقیر واقع شده‌اند (فابل ۲۳، کتاب دوم؛ فابل ۱۶، کتاب سوم؛ فابل ۷، کتاب هفتم). در فابل شیر و پشه^{۳۳} (فابل ۹، کتاب سوم) ما شاهد حقانیت پرتلاشو افکار توده مردم هستیم.

در عصر کریلف معدود جماعت تحصیل کرده روسی تقریباً همه کار دولتی برعهده داشتند. کریلف با ارائه توصیفی از خصوصیات آنها، منش روسی را به روشنی به تصویر می‌کشد. اینان افرادی فاقد مسئولیت، فاقد تجربه عملی و به دور از کنترل توده مردم آگاه هستند. در وجود اینان فراست، خیال‌پروری و کاهلی در آمیخته و آنها را به مردمی تبدیل کرده که بیشتر تابع نظریه‌اند تا عمل (فابل ۱۰، کتاب سوم؛ فابل ۹، کتاب چهارم). آنهم نظریه‌هایی که ریشه خارجی دارند (فابل ۱۲، کتاب سوم). زمانی که این نظریه‌ها جنبه سیاسی پیدا می‌کنند، دولتمردان به مردمی که رهبری‌شان را به عهده گرفته‌اند (فابل ۱۱، کتاب پنجم) و یا به پیامدهای موفقیتشان که ممکن است نصیب توده مردم شود، عنایتی ندارند (فابل ۲۱، کتاب هفتم).

کریلف می‌گوید راه حل مسائلی که در برابر دولتمردان قرار دارد اغلب بسیار ساده‌تر از تصویری است که اینان از مسائل دارند (فابل ۵، کتاب یکم). کریلف در افسانه‌هایش با دو نوع شخصیت روس سر و کار پیدا می‌کند: کسی که همواره بیهوده غر می‌زند (فابل ۱۵، کتاب یکم؛ فابل ۴، کتاب سوم؛ فابل ۶، کتاب سوم؛ فابل ۱۷، کتاب سوم؛ فابل ۷، کتاب ششم؛ فابل ۲، کتاب نهم)؛ کسی که به هنگام استفاده از نیرنگهایی

که از خارج یاد گرفته است، لو می رود (فابل ۱۴، کتاب یکم)؛ و کسی که ماهرانه دست به ماجراجویی می زند، هر آنچه را که اراده می کند به چنگ می آورد (فابل ۱۵، کتاب یکم؛ فابل ۶، کتاب نهم). کریلف در قبال اشتیاق کورکورانه و بی هدف برای سفر به سرزمینهای بیگانه که در میان مردم این سرزمین بسته فراوان به چشم می خورد قیافه عبوس از خود نشان می دهد (فابل ۱۸، کتاب یکم) و از مسافر سرگردان روس در سرزمینهای بیگانه تصویری آشنا به خواننده می دهد (فابل ۱۲، کتاب ششم). کریلف همچنین از کراهت نگرش کوتاه فکرانه ویژه منش روسی سخن به میان می آورد (فابل ۲۳، کتاب پنجم؛ فابل ۱۴، کتاب ششم؛ فابل ۲۵، کتاب هفتم). خصلتی که کریلف همواره از آن دوری می جست، در نتیجه چنین خصلتی و نیز سایر تناقضات روانی روسی، فرد روسی گرایش دارد به همه چیز هجوم برد و با این شیوه احساس می کند که در سایه تلاش خود اوضاع را تغییر داده است (فابل ۲۳، کتاب ششم) و اگر در این گذار موردی را مرمت می کند، مورد دیگر را خراب می سازد، همچنان که در فابل **بالاپوش سامی**^{۳۳} نشان داده شده است. پیامد دیگر این وضع نومیدانه حالت جنگجویانه عیبی است که عموماً در مردم روس و مردم اسلاو مشاهده می شود (فابل ۶، کتاب دوم؛ فابل ۵، کتاب ششم)، هر یک از اینان می خواهد به یاری حکومت بنشاید و هر کسی را که بخواند در این راه به او کمک کند به باد انتقاد می گیرد و از این رو، همیشه شایعات احمقانه راه تلاش همگانی را سد می کند (فابل ۳، کتاب نهم). در چنین جامعه ای، جوان طالب علم که راهبری برای خود نمی بیند دست به کار می شود و از بزرگ ترها می خواهد راه را بر او باز کنند تا او بتواند به وظایف خود عمل کند (فابل ۱۴، کتاب سوم).

اگر کسی بخواند با این وضع امور برخورد جدی کند پاک نوید می شود، اما این وضع همچنان به حیات خود ادامه می دهد، زیرا هیچ کس آن را به روی خود نمی آورد.

در سالهای پایانی حیات کریلف، بی کفایتی و در کنار آن سستی و کاهلی، این خصلت فطری مردم روس که چرخ زندگی را همچنان به گردش درمی آورد، مایه اصلی اندیشه های او بود. او با این خصلت سر سازگاری داشت، زیرا تنبلی با سرشت وی عمیقاً درآمخته بود. البته نوعی از این تنبلی بسیار احمقانه است (فابل ۱۲، کتاب دوم؛ فابل ۸، کتاب ششم؛ فابل ۱۰، کتاب هفتم)، نوع دیگر آن کاهلی است (فابل ۱۵، کتاب چهارم؛ فابل ۲۶، کتاب پنجم؛ فابل ۲، کتاب هفتم). در نوع دوم آن امور بسیار جزئی مشغله ذهن آدمی است. به موزه می رود بدون آنکه اشیاء موجود در آن را ببیند. نوع دیگر، تنبلی فیلسوفانه است که اگر لازم بدانند از خود دفاع می کند و چنانچه آسایش و راحتی هدف اصلی باشد در دفاع از آن داد سخن سری می دهد (فابل ۷، کتاب چهارم). نوع دیگر، تنبلی خنده دار است که هدفش ایجاد خشنودی خاطر و مطایبه لذت بخش است (فابل ۲۰، کتاب هشتم). کریلف که همیشه رویدوشامیر به تن داشت موجب شده در زبان روسی «رویدوشامیر به تن داشتن»، معنای بطالت و تنبلی به خود بگیرد. او در آخرین افسانه ای که به رشته تحریر کشید (فابل ۱۱، کتاب نهم) آورده است:

اما نه، او مطلقاً دست به هیچ کار نزد

برای همین است که به بهشت می رود

آری، اغلب مردم روس فکر می کنند روسیه به بهشت خواهد رفت. آن سوی دنیای آشفته و ازه ها، نظریه ها و نیز تحت فشار دولت نادان و سرکوبگر جهانی وجود دارد که نظریه ها و اعمال سرکوبگرانه را بدان راهی نیست، جهانی که رنگ طغیان به خود ندیده، جهانی خالی از تعصب و آکنده از مزاج و شعور. دولت و دستگاه اطلاعاتی

آن که داعیه دفاع از حقوق توده مردم را دارد از مردم جدا مانده است؛ زندگی بدون آن دو به حیات خود ادامه می دهد و حتی به طور ناخودآگاه شالوده و اساس دولت و دستگاه اطلاعاتی آن را تشکیل می دهد.

درباره همین دنیای مردمی است که کریلف با شور و شوق می نویسد و از این منظر است که وی بر تلاشهای مذبوحانه و خودخواهانه کسانی که خود را متولی جامعه روس می دانند، نظاره می کند. هم از این روست که دستگاه اطلاعاتی روس همواره سپاسگزار کریلف بوده و هرگز گمان نبرده است که او در این مسائل جانب چه کسی را گرفته است. او از دنیایی سخن به میان می آورد که به حال خود رها شده و یا سرکوب شده است. (فابل ۴، کتاب دوم؛ فابل ۲۱، کتاب سوم؛ فابل ۲، کتاب چهارم؛ فابلهای ۵ و ۱۳، کتاب نهم). دنیایی که کریلف به تصویر می کشد، نه دنیایی است نگون بخت، بل دنیایی است صمیمی و مهربان که می خواهد با محبت و سرشت نیک خویش، خود را از فلاکت و بدبختی دور نگاه دارد. این روسیه واقعی است که مردم روس و همه کسانی را که در میان آنها زندگی می کنند مجذوب کرده است. در فهرست عناوین افسانه های کریلف، واژه ای یافت می شود که بیشتر از همه واژه ها (۱۴ بار) به کار رفته است و آن واژه «دهقان» است. در افسانه های کریلف، دهقان، نماینده انسان است، زیرا در اغلب موارد این جانوران اند که بقیه صحنه را در اختیار دارند. در افسانه های کریلف، دهقان روس را می بینیم که عاقلانه یا ابلهانه، در بدبختی یا خوش بختی گرفتار مسائل زندگی روزانه اش است؛ در عین ساده بودن زیرکانه عمل می کند، از نیت انسان و حیوان خبر دارد؛ در استخلاص خود از گرفتاریها مهارت به خرج می دهد؛ به چیزی دل نمی بندد؛ همواره از غرایز خود پیروی می کند و در اندیشه فرد است و آنگاه که احساس درماندگی می کند، صرفه جویی و تلاش را پیش می گیرد و مهم تر از همه، به حیات خود ادامه می دهد و هرگز جایگاه مألوف خود را ترک نمی کند. دهقان روسی قهرمان واقعی افسانه های کریلف است.

افسانه های کریلف، گنجینه ای از زبان بومی، ظرافت طبع و اخلاق مردم روس است. تقریباً همه افسانه های وی زبانزد مردم بوده و در نزد کودکان روس و افراد بزرگسال بسیار محبوب اند، حتی آن دسته از افسانه هایی که از لافوتن و دیگران اقتباس شده، به دست کریلف رنگ و بوی روسی به خود گرفته اند و همین خصیصه است که افسانه های او را جالب و ارزشمند می کند و ترجمه به زبان دیگر را بر نمی تابند. در عین حال نباید از نظر دور داشت که برای ظرایف کلام افسانه های کریلف معادلهای انگلیسی وجود دارد و کریلف، همانند دیگر دستداران روسی مردم اسلاو و محافظه کاران، در مقایسه با دیگر ملل، به استثنای مردم ایتالیا، به ویژه ایتالیایی معاصر شاعر و رمان نویس ایتالیایی مانزونی (۱۷۸۳-۱۷۸۵) و جوستی (۱۸۵۰-۱۸۰۹، Giusti)، با جوهر فکر و رفتار انگلیسی قربانی بسیار دارد. کریلف در سال ۱۸۴۴ در آغاز برهه نوین و آشفته تفکر اروپایی و روس در میان عزت و احترام دار فانی را وداع گفت و از خود مجموعه ای از افسانه های چاپ نشده و دیگر صورتی به جا گذاشت. افسانه هایش اغلب به گونه مصور ارائه شده اند و در آنها نه تنها جانوران بلکه اشخاصی که جانوران را ممثل می کنند به تصویر کشیده شده اند. یک بنای یادبود زیبا که به احترامش در باغ تابستان، در شهر پترزبورگ ساخته شده مرد چهارشانه نشسته ای را در حال اندیشیدن نشان می دهد و بر پا ستون مجسمه، نقوش برجسته اشخاص داستانی افسانه هایش به چشم می خورد و یک زمین بازی پوشیده از شن که بنای یادبود را در میان گرفته، همیشه محل تجمع و بازی کودکان است.

بخش دوم:

and old, With heavy sighs and groans, each
moment faltering more, Towards his smoky hut his
heavy burden bore.
For miles and miles he dragged his load, Then
halted on the road, And dropped it on the road,
Sat down on it to rest and pondered with a
sigh: Lord, What a wretched man am I! Kept short
of everything, with wife and children too! Ground
rent and master's dues and tax on tax to pay;
when's And the time I ever Knew A single really
happy day?
SO, girding at his lot, he cries Alack! Alack!
And calls for death. Death is not far away, He's
just behind your back.
A moment's span And there he stands, and asks: Why did you
call, old man?
seeing his towering form and
threatening face, The poor man scarce could say,
still catching for his breath, 'I called you - not to
make you angry, Death: Please help me to put
back my bundle in its place!
And so we see
From this short fable,
Though life is full of misery To die is still
more miserable.

خروس و مروارید

از بی روزی خروسی صبحگاه
پنجه می زد بر خس و خاشاک راه
طرفه مروارید غلطنانی سپید
از میان خاک و خس بیرون پرید
آن خروس ابله بی عقل و هوش
عرضه کرد آن دانه بر گوهر فروش
گفت دانم کز برای این صدف
جان دهد غواص تاش آرد به کف
لیک این دانه بر همچون منی
باشد ارزان تر ز مشت ارزنی
قدر زر ناب داند مشتری
«می شناسد قدر گوهر، گوهری»

COCK AND PEARL

A COCK that picked a dunghill round, Turned up a little pearl
he found. Now where's the need of This? says he;
It's useless as can be.
How Stupid of the men to prize it so!
For me, upon my word, I'd find it far more thrilling
To spy a barley-com. It mayn't be much to show,
But then it's filling;
A favourite notion, where the mind is small,
That what's no use to you, can be no use at all!
نادانی را کتاب خطی گرانبهایی به میراث رسید. مرد کم مایه از

الف) نمونه‌هایی چند از افسانه‌های کریلف به زبان انگلیسی،
سروده برنارد پترس (۱۹۷۷) و صورت منظوم آنها در فارسی به قلم
نیر سعیدی (۱۳۳۶). کریلف مضامین این افسانه‌ها را از لافونتن به
عاریت گرفته است:

مرگ و هیزم شکن ۲۵

در میان بیشه آن هیزم شکن
گفت: یارب تا کی این رنج و محن
خم شده پشتم از این بار گران
سر شده چون کوره آهن‌گران
روز و شب چون گاو نر جان می‌کنم
جان برای لقمه‌ای نان می‌کنم
شب روم با پیکر فرسوده‌ای
زیر بام سرد و دودآلوده‌ای
من ندارم از جوانی یادگار
غیر محنت، غیر زحمت، غیر کار
هیزم تر من به کس نفروختم
کاین چنین از آه مردم سوختم
چون کنم با همسر و اهل و عیال
با طلبکار و خراج ماه و سال؟
از طلوع فجر تا گاه غروب
کار من با هیزم است و تیر و چوب
مرگ، ای زیبا عروس آرزوی
کاش این دم با تو بودم روبه روی
کاش نزدیکم بیایی بی درنگ
«تا در آغوشت بگیرم تنگ تنگ»
چون به گوش مرگ آمد این سرود
زود حاضر گشت و پرسیدش چه بود؟
همچو من یار وفاداریت نیست
حاجتی داری اگر بر گو که چیست؟
مردک بیچاره بالرز و هراس
گفت با زاری و عجز و التماس
گر تو می‌گویی مددکارم تویی
گاه حاجت یار و غمخوارم تویی
بازوی خود ای برادر رنجه دار
بار هیزم را تو بر پشتم گذار

مرد دانایی ز اعصار قدیم

گفت و شیرین گفت آن مرد حکیم
گر شوم زار و پریشان و ذلیل
از دو پالنگ و زدودیده علیل
ور همه بندی زهر بندم گسست
جان شیرین رایگان ندهم ز دست
دور شوای مرگ ای عفریت زشت
گر تویی رهبر گذشتم از بهشت

THE PEASANT AND DEATH

His faggots on his back, in winter's bitterest
cold, Worn out with toil and stress, a peasant frail

- 12 GADFLY AND ANT
- 13 THE LLAR
- 14 EAGLE AND BEE
- 15 THE HARE A-HUNTING
- 16 PIKE AND CAT
- 17 WOLF AND CUCKOO
- 18 COCK AND PEARL
- 19 OLD MAT AND HIS MAN
- 20 A TRAIN OF CARTS
- 21 THE RAVEN CHICK
- 22 ELEPHANT AS GOVERNOR
- 23 ASS AND NIGHTINGALE

بهای آن سرمایه بی خبر بود. پس آن نسخه نایاب بر کتاب فروش
همسایه عرضه داشت و بدو گفت:
گرچه مرا گفته اند که این نسخه خطی متاعی نیکوست، اما
سکه ای ناچیز در این دم بیشتر به کار آید.
سکه ای از نقره صاحب عیار

نزد من به از کتابی زرنگار

بخش سوم:

ب) فهرست عناوین افسانه های کریلف به زبان انگلیسی ترجمه
برنارد پئرس (۱۹۷۷)، استاد روسی دانشگاه لندن (۱۹۷۷):

پانوشتها:

BOOK III

- 1 RICH MAN AND COBBLER
- 2 THE PEASANT IN DISTRESS
- 3 MASTER AND THE MICE
- 4 ELEPHANT AND PUG
- 5 WOLF AND HIS CUB
- 6 MONKEY
- 7 THE BAG
- 8 CAT AND COOK
- 9 LION AND GNAT
- 10 GARDENER AND WISEACRE
- 11 THE PENITENT FOX
- 12 YOUNG LION'S EDUCATION
- 13 THE OLD MAN AND THE THREE YOUNG
DANDIES
- 14 THE SAPLING
- 15 GEESE
- 16 PIG
- 17 THE FLY AND THE COACH
- 18 EAGLE AND SPIDER
- 19 THE DOE AND THE DERVISH
- 20 PUPPY
- 21 EAGLE AND MOLE

BOOK IV

- 1 A QUARTETT
- 2 LEAVES AND ROOTS
- 3 WOLF AND FOX
- 4 A KITE
- 5 SWAN, PIKE AND CRAB
- 6 STARLING
- 7 POND AND RIVER
- 8 SAMMY'S COAT
- 9 THE ENGINEER
- 10 FIRE AND DIAMOND
- 11 HERMIT AND BEAR
- 12 THE FLOWERS

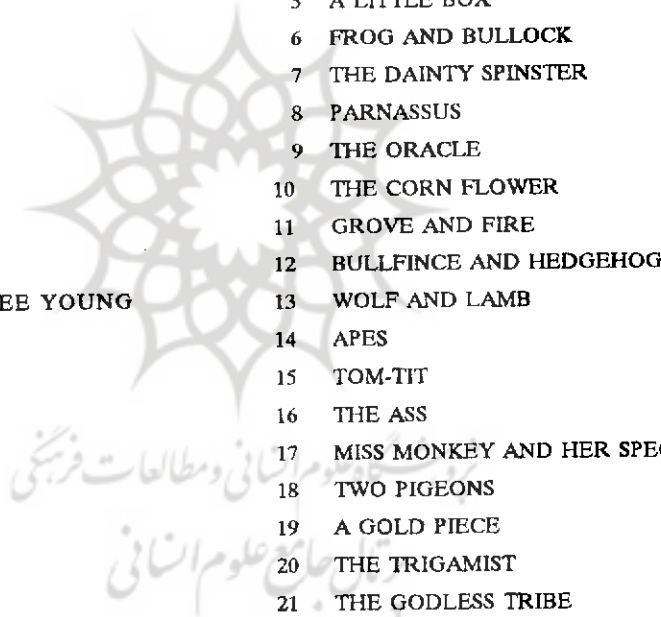
BOOK I

- 1 CROW AND FOX
- 2 OAK AND REED
- 3 THE VILLAGE BAND
- 4 CROW AND FOWL
- 5 A LITTLE BOX
- 6 FROG AND BULLOCK
- 7 THE DAINTY SPINSTER
- 8 PARNASSUS
- 9 THE ORACLE
- 10 THE CORN FLOWER
- 11 GROVE AND FIRE
- 12 BULLFINCE AND HEDGEHOG
- 13 WOLF AND LAMB
- 14 APES
- 15 TOM-TIT
- 16 THE ASS
- 17 MISS MONKEY AND HER SPECTACLES
- 18 TWO PIGEONS
- 19 A GOLD PIECE
- 20 THE TRIGAMIST
- 21 THE GODLESS TRIBE
- 22 EAGLE AND FOWLS

BOOK II

- 1 THE FROGS ASK FOR A KING
- 2 LION AND LEOPARD
- 3 STATESMAN AND THINKER
- 4 THE PLAGUE OF THE BEASTS
- 5 DOG'S FRIENDSHIP
- 6 SHARING UP
- 7 A CASK
- 8 WOLF IN THE KENNELS
- 9 THE BROOK
- 10 FOX AND MARMOT
- 11 WAYFARERS AND HOUNDS

۱ - در



- 13 BEE AND FLIES
- 14 THE STRONG ANT
- 15 THE SHEPHERD AND THE SEA
- 16 SNAKE AND MASTER WILL
- 17 FOX AND THE GRAPES
- 18 SHEEP AND DOGS
- 19 MIKE IN THE NET
- 20 A BLADE OF CORN
- 21 THE BOY AND THE WORM
- 22 A FUNERAL
- 23 THE INDUSTRIOUS BEAR
- 24 AUTHOR AND ROBBER
- 25 LAMBKIN

BOOK VII

- 1 MICE IN COUNCIL
- 2 THE MILLER
- 3 BOULDER AND DIAMOND
- 4 SPENDTHRIFT AND SWALLOW
- 5 THE YOUNG ROACE
- 6 PEASANT AND SNAKE
- 7 PIG UNDER THE OAK
- 8 SPIDER AND BEE
- 9 FOX AND ASS
- 10 FLY AND BEE
- 11 SNAKE AND LAMB
- 12 KETTLE AND POT
- 13 WILD GOATS
- 14 NIGHTINGALES
- 15 BESOM
- 16 PEASANT AND SHEEP
- 17 THE MISER
- 18 POET AND MILLIONAIRE
- 19 WOLF AND MOUSE
- 20 TWO COUNTRYMEN
- 21 KITTEN AND STARLING
- 22 TWO DOGS
- 23 CAT AND NIGHTINGALE
- 24 FISHES DANCING
- 25 FROM THE NEXT PARISH
- 26 CROW

BOOK VIII

- 1 LION GROWN OLD
- 2 LION, CHAMOIS AND FOX
- 3 PEASANT AND HORSE
- 4 SQUIRREL
- 5 PIKE
- 6 CUCKOO AND EAGLE
- 7 RAZORS

- 13 THE PEASANT AND THE SNAKE
- 14 PEASANT AND ROBBER
- 15 THE SIGHTSEER
- 16 THE LION A-HUNTING
- 17 HORSE AND RIDER
- 18 THE PEASANTS AND THE RIVER
- 19 THE KIND FOX
- 20 BEASTS IN COUNCIL

BOOK V

- 1 SOUP OF MASTER JOHN
- 2 MOUSE AND RAT
- 3 BULLFINCH AND PIGEON
- 4 THE PEARL DIVERS
- 5 MISTRESS AND HER TWO MAIDS
- 6 STONE AND WORM
- 7 MIKE AMONG THE HIVES
- 8 MONKEY AND MIRROR
- 9 GNAT AND SHEPHERD
- 10 THE PEASANT AND DEATH
- 11 THE KNIGHT
- 12 A MAN AND HIS SHADOW
- 13 THE PEASANT AND HIS AXE
- 14 LION AND WOLF
- 15 DOG, MAN, CAT AND HAWK
- 16 SPIDER AND GOUT
- 17 LION AND FOX
- 18 THE CREEPER
- 19 THE ELEPHANT IN FAVOUR
- 20 A CLOUD
- 21 SLANDERER AND SNAKE
- 22 FORTUNE AND THE BEGGAR
- 23 FROGGY AND JUPITER
- 24 FOX AS ARCHITECT
- 25 A CALUMNY
- 26 FORTUNE ON A VISIT

BOOK VI

- 1 WOLF AND SHEPHERDS
- 2 CUCKOO AND WOOD-PIGEON
- 3 A COMB
- 4 THE MISER AND THE HEN
- 5 TWO CASKS
- 6 ALCIDES
- 7 APELLES AND THE YOUNG ASS
- 8 THE SPORTSMAN
- 9 BOY AND SNAKE
- 10 THE SWIMMER AND THE SEA
- 11 ASS AND RUSTIC
- 12 WOLF AND CRANE



علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پال جامع علوم انسانی

نگارش این مقاله عمدتاً از منابع زیر استفاده کرده‌ایم:
الف) افسانه‌های کریلف (Krylov's Fables)، با ترجمه آن به انگلیسی منظوم، اثر برنارد پترس (Bernard Pares) (استاد روسی دانشگاه لندن)، انتشارات هایپرین (Hyprion)، ۱۹۷۷.

ب) تاریخ ادبیات روسی، اثر استاد سعید نفیسی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
ج) دایرةالمعارف روسی، جلد‌های ۳ و ۲۳.
در مقدمه افسانه‌های کریلف می‌خوانیم که برنارد پترس مدت بیست سال به ترجمه صورت منظوم آنها از زبان روسی به انگلیسی مشغول بود و در این کار خود را به رعایت سفت و سخت قافیه ملتزم ساخته بود (برخلاف زبان روسی، بیت شش رکنی (دوازده هجایی) در زبان انگلیسی وجود ندارد و مترجم ناگزیر بوده است ابیات شش رکنی را در دو بیت سه رکنی بیاورد و ابیات یک رکنی که در متن روسی افسانه‌ها وزن اصلی به شمار می‌رود در انگلیسی میسر نبوده است).

۲- قابل یکی از انواع ادبی، داستانی است کوتاه که معمولاً منظوم و به گونه تمثیلی و آمیخته با طنز بیان می‌شود. قابل به مثل (parable) و حکایت اخلاقی (apologue) شباهت دارد و افزون بر انسان، جانوران، گیاهان و اشیاء بی‌جان اشخاص قابل را تشکیل می‌دهند. معمول چنان است که گاهی در آغاز یا در پایان قابل پند حکیمانه نیز آورده می‌شود.

از نام‌آوران این نوع ادبی می‌توان از ازوپ در یونان باستان (قرن پنجم یا شش میلادی)، فدروس در رم (قرن اول میلادی) و در عصر جدید از لافونتن شاعر فرانسوی (قرن هفده میلادی) نام برد. در هندوستان مجموعه افسانه‌های پانچاناترا (Panchatantra) به قرن سوم میلادی می‌رسد. در روسیه قابل بین نیمه قرن هیجده و آغاز قرن بیستم نضج گرفت و با نام‌های سوماراکوف (A. P. Sumarakov)، خمینستر (I. I. Khemnitser)، ایزمائلوف (A. E. Izmailov) و دمیتروف (I. I. Dmitnev) گره می‌خورد. افسانه‌های منظوم را نخستین بار پولوتسکی (A. D. Polotskii) و در نیمه اول قرن هیجدهم کانتیر (A. D. Kantmir) و تردیاکوفسکی (V. K. Tredlakovskii) عرضه کردند. برای کسب آگاهی بیشتر به فصل سوم کتاب روان‌شناسی هنر اثر لوسمینوویچ، ترجمه دکتر بهروز عزیدفتری، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۷، صص ۸۱-۱۳۱ رجوع شود.

۳- برخی تاریخ تولد ایوان کریلف را دوم فوریه سال ۱۳۶۸ و برخی ۱۳ فوریه ۱۶۶۹ ذکر کرده‌اند. ما در این گفتار بر قول استاد سعید نفیسی استناد کرده‌ایم.

4- The Coffee - Stall Keeper (1782)

5- The Frenzied Family

6- The Auther in the Anteroom

- 8 FALCON AND WORM
- 9 THE POOR RICH MAN
- 10 THE SABRE BLADE
- 11 THE MERCHANT
- 12 CANNON AND SAILS
- 13 THE ASS AND HIS BELL
- 14 POP-A-POP
- 15 PEASANT AND FOX
- 16 DOG AND HORSE
- 17 OWL AND DONKEY
- 18 SNAKE
- 19 WOLF AND CAT
- 20 BREAM
- 21 WATERFALL AND BROOK
- 22 KING LION'S BED
- 23 THE THREE TOWNIES

BOOK IX

- 1 SHEPHERD SANDY
- 2 SQUIRREL ON HIS WHEEL
- 3 MICE
- 4 FOX
- 5 WOLVES AND SHEEP
- 6 PEASANT AND DOG
- 7 TWO BOYS
- 8 ROBBER AND CARTER
- 9 LION AND MOUSE
- 10 COCK AND CUCKOO
- 11 A GREAT LORD
- 12 LION AND MAN
- 13 SPECKLED SHEEP
- 14 A FEAST
- 15 MIKE'S DINNER PARTY

- 12- Wolves and the sheep
- 13- Plague of the Beasts
- 14- The Dances of the Fish
- 15- 'godless French books'
- 16- Pearls Divers
- 17- A Gold Piece
- 18- The Godless tribe
- 19- Horse and Rider
- 20- Author and Robber
- 21- Pig under the Oak

۲۲- الکساندر پوپ (۱۷۰۹-۱۷۴۹)، شاعر و نویسنده و در کتاب روس، با عنوان «The Mice» در مورد یک شب در یک خانه با دنیای ریاضت شوق ارتباط دارد، بلکه در فرجام تراژیک زندگی خویش به تهران عهد فتحعلشاه در یک بلوای عام کشته شد. بزبانه نحوی یادشای شرق مربوط است به گفته زرین کوب (۱۳۶۱، ص ۵۴۲) صورت رزی مخصوصاً به طایفه «The Mice» معروف است به نام بلای هوش که در تصویر احوال جامعه عصر خود اثری گریزناپذیر را نشان می‌دهد.

- 23- Speckled sheep
- 24- Wolf and sheperds
- 25- Crow and fowl
- 26- Wolf in the Kennels
- 27- Pike and Cat
- 28- Cock and Cuckoo
- 29- Pig
- 30- Soup of Master John
- 31- The Cornflower
- 32- Pop-a-pop
- 33- The Lion and the Gnat
- 34- Sammy's Coat (Trishkin Kalina)

۳۴- «Sammy's Coat» (Trishkin Kalina) در مورد یک قطعه مخمل لافونتن اقتباس شده است که اولی در یک روز و در یک شهر و دومی به نام مرگ و مرد تیره روز است و از آنجا که این دو شعر مکمل یکدیگرند، در این قطعه از هر دو یاد کردیم (ن. سیدان).

7-The Mischief- Makers

۸- در تاریخ ادبیات روسی (ص ۱۵۶) می‌خوانیم که کریلف در روزنامه بیک ارواح مقاله‌هایی از زبان عزرائیل و جن و پیری و موجودات خیالی در تشریح مفاسد اخلاقی و معایب اجتماعی زمان خود می‌نوشت و سبک منتقدانه نویسندگان فرانسوی مخصوصاً ولتر، مونتسکیو و لوساژ را که در آن زمان آثارشان در روسیه رواج داشت، تقلید می‌کرد. این روزنامه ماهیانه به زودی تعطیل شد و کریلف در سال ۱۹۷۲ روزنامه دیگری به همان روش به نام ناظر منتشر کرد و آن هم دوامی نکرد و پس از چندی تعطیل شد و باز در ۱۷۹۲ روزنامه دیگری به همان سبک به عنوان «مگکوس» منتشر شد و انتشار داد که آن هم فقط در ۱۹۷۲ بیرون آمد.

9- The reasonable shop

10- A reason for Daughters